

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بررسی تاثیر نقوش سفالینه سیستان بر روی دستبافته های منطقه

## فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
فصل اول.....	
<u>۱-۱</u> تاریخچه سفال سیستان.....	۴
<u>۱-۲</u> تقسیم سفال های شهر سوخته.....	۵
<u>۱-۲-۱</u> سفال نخودی با نقوش سیاه - قهوه ای.....	۵
۱-۲-۱) سفال خاکستری با نقوش سیاه.....	۱۲
۱-۲-۱) سفال های قرمز با نقوش سیاه.....	۱۳
فصل دوم.....	
<u>۱-۲</u> سابقه بافندگی در سیستان :.....	۱۴
۱-۲-۱) انواع نقوش قالی سیستان :.....	۱۵
۱-۲-۲) گلیم سیستان.....	۴۴
۱-۲-۳) نقوش مشترک در بافته ها و زیراندازهای سیستان.....	۴۵
فصل سوم.....	
۱-۳) خاستگاه نقوش قالی سیستان :.....	۵۰
۲-۳) دوران پیش از تاریخ.....	۵۱
۱-۲-۳) شهر سوخته.....	۵۱
۳-۳) دوران تاریخی.....	۶۱
۱-۳-۳) دهانه غلامان.....	۶۱

۳-۳-۲) کوه خواجه ..... ۶۱

۳-۴) دوران اسلامی ..... ۶۳

۳-۴-۱) زاهدان کهنه ..... ۶۴

۳-۴-۲) طبیعت و نوع معیشت : ..... ۶۵

۳-۴-۲) اثر گذاری کوچ نشینی بر نقوش هندسی قالیچه های سیستان ..... ۶۶

فصل چهارم.....

۴-۱) طراحی نقشه قالیچه با استفاده از نقوش اصیل دستبافته های سیستان..... ۶۸

نتیجه گیری..... ۷۴

محدودیت ها و پیشنهاد ها..... ۷۵

فهرست منابع.....

## "فهرست اشکال"

فصل اول.....	
شکل (۱-۱) خطوط پلکانی.....	۷
شکل (۲-۱)، (۳-۱) خطوط زاویه دار.....	۸
شکل (۴-۱)، (۵-۱) نقش بز.....	۹
شکل (۶-۱)، (۷-۱) نقش حیوانات.....	۱۰
شکل (۸-۱)، (۹-۱) نقش صلیبی.....	۱۱
فصل دوم.....	
شکل (۱-۲) قالی واگیره ای.....	۱۶
شکل (۲-۲) نقش زمینه.....	۱۶
شکل (۳-۲) قالی قابدار.....	۱۷
شکل (۴-۲) نقش مایه زمینه قالی قابدار (نگارنده).....	۱۸
شکل (۵-۲) نقش مایه حاشیه قالی قابدار (نگارنده).....	۱۸
شکل (۶-۲) قالی ستاره ای،.....	۱۹
شکل (۷-۲) نقش ستاره در زمینه قالی ستاره ای (نگارنده).....	۲۰
شکل (۸-۲) نقش ستاره در زمینه قالی ستاره ای (نگارنده).....	۲۰
شکل (۹-۲) نقش حاشیه اصلی در قالی ستاره ای (نگارنده).....	۲۱
شکل (۱۰-۲) نقش در حاشیه کوچک قالی ستاره ای (نگارنده).....	۲۱
شکل (۱۱-۲)، قسمتی از نقش زمینه و حاشیه ی یک قالی پنجه ای.....	۲۲
شکل (۱۲-۲)، قسمتی از نقش زمینه و حاشیه ی یک قالی پنجه ای.....	۲۲
شکل (۱۳-۲) نقش اصلی در زمینه قالی پنجه ای (نگارنده).....	۲۳
شکل (۱۴-۲) نقش حاشیه در قالی پنجه ای (نگارنده).....	۲۳
شکل (۱۵-۲) قالی نشانی، تولید سیستان.....	۲۴
شکل (۱۶-۲) نقش نشان در زمینه قالی نشان (نگارنده).....	۲۵
شکل (۱۷-۲) نقش پل در حاشیه قالی نشانی (نگارنده).....	۲۵
شکل (۱۸-۲) قالی رتیلی، تولید سیستان،.....	۲۶

- شکل (۱۹-۲) نقش زمینه قالی رتیلی (نگارنده)..... ۲۷
- شکل (۲۰-۲) نقش حاشیه در قالی رتیلی (نگارنده)..... ۲۷
- شکل (۲۱-۲) قالی گل چیتک، (نگارنده)..... ۲۸
- شکل (۲۲-۲) نقش در قالی گل چیتک (نگارنده) ..... ۲۹
- شکل (۲۳-۲) نقش اصلی در حاشیه قالی گل چیتک (نگارنده) ..... ۲۹
- شکل (۲۴-۲) قالی شینل با یک نقش مایه ..... ۳۰
- شکل (۲۵-۲) نقش واگیره ای در قالی شینل (نگارنده)..... ۳۱
- شکل (۲۶-۲) نقش حاشیه در قالی شینل (نگارنده) ..... ۳۱
- شکل (۲۷-۲) نقش حاشیه در قالی شینل (نگارنده)..... ۳۱
- شکل (۲۸-۲)، قالی ترنج دار هشت گوش..... ۳۲
- شکل (۲۹-۲) نقش ترنج..... ۳۲
- شکل (۳۰-۲) قالی ترنج دار لوزی، (نگارنده)..... ۳۳
- شکل (۳۱-۲) واگیره ترنج..... ۳۳
- شکل (۳۲-۲) قالی مددخانی، ..... ۳۴
- شکل (۳۳-۲) نقش اصلی قالی مددخانی (نگارنده) ..... ۳۵
- شکل (۳۴-۲) نقش دوم در زمینه قالی مدد خانی (نگارنده) ..... ۳۵
- شکل (۳۵-۲) قالی تلفیقی، ..... ۳۶
- شکل (۳۶-۲) نقش گلدان (نگارنده) ..... ۳۷
- نقش (۳۷-۲) نقوش حیوانات (نگارنده) ..... ۳۷
- شکل (۳۸-۲) پایه قالی گلدانی، شکل (۳۹-۲) قالی گلدانی ..... ۳۸
- شکل (۴۰-۲) پایه گل سماوری، شکل (۴۱-۲) قالی گل سماوری ..... ۳۹
- شکل (۴۲-۲) نقش مایه ی حاشیه در قالی گل سماوری، (نگارنده) ..... ۴۰
- شکل (۴۳-۲) استفاده از فرم محراب در قالی جانمازی محرابی ..... ۴۱
- شکل (۴۴-۲)، (نگارنده) ..... ۴۲
- شکل (۴۵-۲) (نگارنده)، شکل (۴۶-۲) (نگارنده) ..... ۴۳
- شکل (۴۷-۲) (نگارنده) ، شکل (۴۸-۲) (نگارنده) ..... ۴۳
- شکل (۴۹-۲) (دسته ای از نقش مایه ها به نام مهر "نشان" ..... ۴۵
- شکل (۵۰-۲) مرغ و خروس، شکل ( ۵۱-۲) مرغ پد، (جای پای مرغ)..... ۴۶
- شکل (۵۲-۲) اشتر، شکل (۵۳-۲) بز..... ۴۶
- شکل (۵۴-۲) گوشواره، شکل (۵۵-۲) نقش با استفاده از مثلث ..... ۴۷
- شکل (۵۶-۲) کوش (کفش)..... ۴۷
- شکل (۵۷-۲) سورمهر (نقش قرمز) ..... ۴۸
- شکل (۵۸-۲) نمونه های از نقش شیدا ..... ۴۸

.....	شکل (۲-۵۹) ماه و روچ	.....	۴۸
.....	شکل (۲-۶۰) درنجک	.....	۴۹
.....	شکل (۲-۶۱) نقش گیاه	.....	۴۹
..... فصل سوم.....			
.....	شکل (۳-۲) ، (۳-۱) استفاده از نقوش هندسی	.....	۵۲
.....	شکل (۳-۳) ترکیب زنجیره ای مثلث در قالی شهر سوخته	.....	۵۴
.....	شکل (۳-۴) استفاده از ترکیب زنجیره ی مثلث های مداخل در سفال	.....	۵۴
.....	شکل (۳-۵) استفاده از خطوط موجدار در حاشیه ی قالی اصیل سیستان (نگارنده)	.....	۵۶
.....	شکل (۳-۶) استفاده از خطوط موجدار در نقوش سفال	.....	۵۷
.....	شکل (۳-۷) ، نقش بز در سفال سیستان	.....	۵۹
.....	شکل (۳-۸) نقش بز در قالی سیستان ، (نگارنده)	.....	۵۹
.....	شکل (۳-۹) نقش گوزن در قالی سیستان	.....	۶۰
.....	شکل (۳-۱۰) استفاده از نقش پروانه در سفال شهر سوخته	.....	۶۰
.....	شکل (۳-۱۱) استفاده از رنگهای درخشان در نقوش مثلث ولوزی	.....	۶۲
.....	شکل (۳-۱۲) استفاده از نقش برگ در هنر سیستان، دوره اشکانی،	.....	۶۳
..... فصل چهارم.....			
.....	شکل (۴-۱) قالی پنجه ای ، شکل (۴-۲) قالی رتیلی.....	.....	۶۸
.....	شکل (۴-۳) قالی گل سماوری ، شکل (۴-۴) قالی مددخانی	.....	۶۹
.....	شکل (۴-۵) قالی محرابی	.....	۶۹
.....	شکل (۴-۶) نگارنده	.....	۷۱
.....	نگارنده.....	.....	۷۲ ( ۷۲_۴) شکل
.....	شکل (۴-۸) نگارنده ۷۳	.....	

## "فهرست جداول"

..... جدول (۳-۱)..... ۵۸

..... جدول (۳-۲).....

## چکیده

دستبافته های سیستان تجسمی است زنده از فرهنگ و هنر و نوع معیشت این سرزمین، این دستبافته ها با نقوش و رنگها و فرم های خود زبانی گویاست از زندگی و احساس و عواطف آنها که نشانه فرهنگ عمیق و پر قدرتی است که نه تنها در مقابل هجوم اقوام مختلف و هجوم فرهنگ های متفاوت مقاومت کرده بلکه توانسته فرهنگ ها و هنرهای تحمیلی بیگانه را در خود حل نموده و به آن سیمای بومی و محلی این منطقه را ببخشد. اهداف کلی مطالعه شامل شناسایی نقوش سفالینه و نقشه های اصیل دستبافته سیستان ، و بررسی نقوش مشترک بین سفال و دستبافته ها خصوصا قالی منطقه ، بررسی عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری نقوش دستبافته ها است.

روش پژوهش به صورت توصیفی ، تحلیلی است ، در این روش ابتدا طی مطالعه ای میدانی و بطور موازی کتابخانه ای منابع گذشته و قالیهایی که هم اکنون در سیستان بافته می شوند و نقش مایه هایی که در آنها بکار رفته یا میرود مورد بررسی قرار خواهد گرفت و پس از گردآوری اطلاعات و طبقه بندی و تجزیه و تحلیل آنها نقش مایه های اصیل شناسایی و در تهیه نقشه های جدید استفاده خواهد شد .

در بررسی های اولیه تشابهات زیادی بین نقوش سفال و دستبافته ها دیده می شود، اما با وجود اینکه سابقه سکونت در این شهر به حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد می رسد و تقریبا از حدود ۱۸۰۰ قبل از میلاد متروک و سپس در زیر خاک مدفون گشته است، بعید به نظر می رسد که هنرمند بافنده معاصر، نقوش این سفال ها را دیده باشد. زیرا قدمت اکثر این قالی ها به قبل از کاوش در شهر سوخته می رسد، اما پیوستگی این نقوش با یکدیگر را از طریق جستجو در آثار دوره تاریخی و اسلامی سیستان می توان به اثبات رساند.

## مقدمه

بین صنایع و هنرهای بومی سیستان (ایران) هنر سفالگری مهمترین رشته ای است که محصول آن از بدو آغاز تمدن دمساز و شریک زندگی مردم نقاط مختلف ایران بوده چون ایینه صاف و تابناک خاطرات و تخیلات و حتی تمایلات مردمی را که در هزاران سال قبل می زیسته اند به صورت نقش و نگاره هایی موزون و دلپسند در برابر دیدگان کنجکاو و اهل تحقیق جلوه گر می سازد .

حصیربافی قدیمی ترین بافته دست انسان است. و آثار بدست آمده پیش از تاریخ گواه بر آن است که حصیر بافی منشا هر نوع دستبافته دیگر است و از نظر قدمت حتی از هنر سفال نیز قدیمی تر است. چرا که آغاز سفالگری به این ترتیب بوده، که بر روی سبدها گل می مالیدند تا آب را در خود نگه دارد (هیراموتوگلاک، سیری در صنایع دستی ایران، سبدهافی، ۲۶۶\_۲۶۹). مهمترین دستبافته سیستان قالی این منطقه است که از وفادارترین هنرهای بومی به ارزشها و فرهنگ منطقه است که همواره با مواد و مصالح کاملاً بومی تولید شده است .

پایان نامه حاضر ، به بررسی تاثیر نقوش سفالینه سیستان بر روی دستبافته سیستان پرداخته است .

جرقه های ابتدایی این پژوهش در دوران کارشناسی زده شد که منجر به ارائه تحقیقی با عنوان شناسایی نقوش اصیل قالی و قالیچه سیستان شد . در دوران کارشناسی ارشد با توجه به وجود پیشینه تحقیق در زمینه فرش دستبافت سیستان، به بررسی تاثیر نقوش سفالینه سیستان بر روی دستبافته های سیستان و شناساندن نقوش اصیل و رایج دستبافته های این منطقه خصوصاً قالی بافی که مهمترین نوع آن است، پرداخته ایم.

هدف اول ، شناخت نقوش سفالینه سیستان ، و پس از آن شناخت نقوش و خصوصیات دستبافت های این سرزمین ، به عنوان هدف دوم مورد نظر قرار گرفت، و در پایان یافتن نقوش اصلی مشترک ، بین سفال و دستبافته (قالی) منطقه و در پی آن تاثیر نقوش سفال بر روی دستبافته های سیستان بوده است .



## -پیشینه تحقیق

علی حصوری در کتاب خود تحت عنوان فرش سیستان با هدف جداسازی دستبافته های سیستانی از دستبافته های بلوچی و هویت بخشی به آن با روش میدانی اقدام به گردآوری اطلاعات و تدوین کتاب نموده است. حصوری اگر چه با گنجاندن بخشی بانام فرهنگ اصطلاحات فرش سیستان به بررسی گوشه ای از نقش مایه های بکار رفته در فرش سیستان پرداخته است اما خود اذعان می کند که "علی رغم کوشش های فراوان نتوانسته است نام بسیاری از نقشه ها و نقش مایه ها را روشن نماید" (حصوری، ۱۳۷۱، ۲۲)

محمد جواد نصیری در کتابش تحت عنوان سیری در هنر قالی بافی ایران به معرفی فرش در نواحی مختلف ایران پرداخته است اما از فرش سیستان به طور مشخص نامی نبرده است و بافته های منطقه شرقی ایران را به بلوچ ها نسبت می دهد و معتقد است در سیستان طایفه ای بلوچ به نام بهلوری، قالیچه، گلیم و خورجین می بافته اند. (نصیری، ۱۳۷۴، ص ۱۴)

جواد یساولی در کتابش تحت عنوان قالیها و قالیچه های ایران به بررسی نقشه ها و قالی های مناطق مختلف ایران پرداخته است، یساولی حتی از ذکر نام سیستان در منطقه شرق ایران خودداری کرده و از بافته های سیستانی با نام بافته های جنوب خراسان یاد و معتقد است بافته های جنوب خراسان همان تولیدات بلوچهاست (یساولی، ۱۳۷۰، ص ۲۶)

سیسل ادواردز در کتاب قالی ایران (ترجمه مهین دخت صبا) به معرفی قالی در مناطق مختلف ایران پرداخته است. در جلد دوم این کتاب اشاره مختصری به قالی سیستان دارد و در بخش کوچکی با عنوان قالیچه های بلوچی سیستان آورده است: ایلات بدوی بلوچ که در ناحیه زابل سیستان و کناره هیرمند سکنی دارند قالیچه هایی می بافند که از لحاظ جنس از بافته های بلوچهای شمال خراسان پست تر است (ادواردز، ۱۳۶۸، ص ۳۷).

همچنین سایتهای [WWW.seraj.ir](http://WWW.seraj.ir)، [WWW.magiran.ir](http://WWW.magiran.ir)، [WWW.irandoc.ac.ir](http://WWW.irandoc.ac.ir)، [WWW.nlai.ir](http://WWW.nlai.ir)، [WWW.noormag.ir](http://WWW.noormag.ir)، [WWW.library.art.ac.ir](http://WWW.library.art.ac.ir)، [WWW.aqlibrary.ir](http://WWW.aqlibrary.ir) مورد بررسی قرار گرفته.

فصل اول:

سفال سیستان

## ۱-۱) تاریخچه سفال سیستان

بین صنایع و هنرهای بومی سیستان (ایران) سفالگری مهمترین رشته ای است که محصول آن از بدو آغاز تمدن دمساز و شریک زندگی مردم نقاط مختلف ایران بوده چون آینه صاف و تابناک خاطرات و تخیلات و حتی تمایلات مردمی را که در هزاران سال قبل می زیسته اند به صورت نقش و نگاره هایی موزون و دلپسند در برابر دیدگان کنجکاو و اهل تحقیق جلوه گر می سازد .

"نمونه هایی از سفال های به دست آمده در معبد غلامان سیستان مربوط به دوران مادها و قبل از آن که قدمت آنها به دوهزار سال قبل از میلاد می رسد، و همچنین در پی اکتشافات توسط باستان شناسان نمونه های زیادی از سفال در شهر سوخته یافت شده است . و علاوه بر آن در بناهای تاریخی سیستان مانند کوه خواجه ، سه کوهه ، قلعه رامرود ، قلعه تپه ، قبرستان ابراهیم خان نمونه هایی از ظروف سفالین دیده شده است " (بررسی صنایع دستی سیستان و بلوچستان ، مدیریت صنایع دستی استان ، ۱۳۵۰، ص ۱۹)

کاوش در شهر سوخته در روشن ساختن وضع تمدن های مستقر در بخش شرقی فلات ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا که حاصل آن دستیابی به یکی از درخشان ترین تمدنهای شهرنشینی از سده های پایانی هزاره چهارم تا آغاز هزاره دوم است . (محمدیوسف کیانی ، شهرهای ایران ، ۱۳۷۰، ص ۲۸)

هر چند ، هزار سال ، تمدن شهر سوخته ، نسبت به قدمت بشر چیز فوق العاده ای نیست ولی آنچه که به نظر ما فوق العاده می آید این که در عرض مدت ۱۰۰۰ سال مردم این ناحیه موفق شده اند شهر بزرگ و آبادی بوجود آورند که مردم آن به انواع صنایع دستی پرداخته و حکومت منظمی تشکیل داده و پیرو مذهبی واحد روابط تجارتي و فرهنگی گسترده ای با نواحی مجاور خود ترتیب داده بودند . (عیسی بهنام ، شهر سوخته ، ۱۳۵۲، ص ۹)

ویژگی اصلی سفال سیستان را باید در "شهر سوخته " جستجو کرد . طبق نظر باستان شناسان شهر سوخته " بزرگترین محوطه باستانی شناخته شده مربوط به دوران آغاز تاریخی در مشرق ایران که از حدود ۳۲۰۰ تا ۲۱۰۰ ق .م آباد بوده است " (سید سجادی، منصور، باستان شناسی و تاریخ بلوچستان ، ۱۳۷۴، ص ۱۹۹)

بالغ بر ۷۵ هکتار از شهر سوخته کاملاً از توده سفال قطعات شکسته سنگ ، فلز ، مرمر و باقیمانده اشیاء دیگر پوشیده شده است بطوری که در برخی از بخش های آن بدون پا گذاشتن بر روی این آثار باقیمانده حرکت و جابجایی غیر ممکن است . (سیدمنصور سجادی ، باستان شناسی و تاریخ بلوچستان ، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷)

## ۱-۲) تقسیم سفال های شهر سوخته

سفال های نقاشی شده شهر سوخته بر اساس رنگ زمینه و رنگ تزئین شده به طور مختصر به این صورت تقسیم می شوند: <sup>(۱)</sup>

- سفال نخودی بانقوش سیاه - قهوه ای

- سفال خاکستری بانقوش سیاه

- سفال قرمز با نقوش سیاه

### ۱-۲-۱) سفال نخودی با نقوش سیاه - قهوه ای

سفال هایی که سطح آنها بانقوش سیاه - قهوه ای تزئین گشته اصولاً دارای کیفیت خوبی می باشند رنگ بدنه آنها معمولاً نارنجی متمایل به زرد است . قطعاتی با پوشش کرم رنگ لعابی پوشیده شده اند که بسیار نازک است و با رنگ سیاه یا قهوه ای تیره نقاشی شده اند . این نوع سفال دارای فرم و شکل بسیار ساده و تقریباً بدون اثر و نشانی از دسته ها ، لوله ها ، پایه های مجزا ، تزئین و چیزهای دیگر می باشد و در واقع در سه فرم اصلی قرار دارند :

۱- کاسه هایی با کف صاف (ته پهن)

۲- خمره هایی کوچک با بدنه مخروطی و پایه لبه دار (به شکل مخروط ناقص بریده شده ) و دهانه گشاد .

۳- خمره های گرد با بدنه تخم مرغی شکل .

## ۱- تزئینات و نقوش بر روی سفال نخودی شهر سوخته :

از لحاظ فرض علمی نخستین قدمی که باید در طراحی اشکال برداشته شده باشد یک یا چند خط ممتد افقی می باشد که معمولاً در امتداد لبه ظرف و یا به هر حال برابر با دهانه ظروف در داخل یا خارج ظرف ادامه دارد و با دو یا چهارنقش قرینه در حاشیه ظرف همراه می باشد. در ترکیب بندی یک طرح از نقوش هلالی و حلقه های گل، خطوط موازی شکسته و حاشوری و خط های زاویه دار و نمونه های پلکانی استفاده شده است. شکل های (۱-۱)، (۲-۱)، (۳-۱).

مطلب مهمی که نقاشی روی ظروف برای ما ثابت می کند این است که ما به کمک آنها می توانیم پی ببریم از چه دوره ای هستند. از طرفی عدم ثبات اکسید آهن و منگنز که مورد استفاده قرار می گرفته بیانگر این است که کدام یک از نقوش قدیمی تر است و نیز میزان حرارتی که برای پخت و لعاب به کار می رفته برای ما روشن می شود. (کریستی ویلسون، تاریخ صنایع ایران، ۱۳۶۶، ص ۵۶)

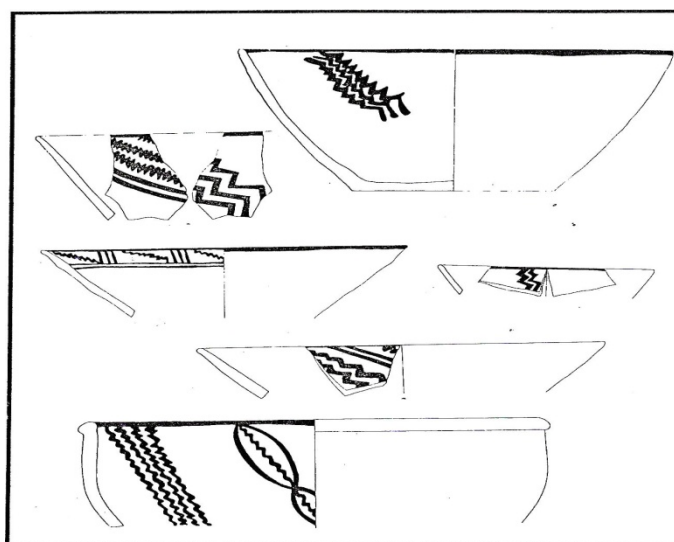
سفال شهر سوخته بیشتر از نوع نخودی است. بعضی اوقات نمایش نقوش حیوانی در لبه ها پیدا می شود که اکثراً نقش بز را شامل می شوند. "بز" در ایران باستان نماد حرکت، زندگی و حیات است. (شکل ۱-۴، ۱-۵) زیرا این حیوان، تنها حیوانی بوده که تغذیه و معیشت انسان را تأمین می کرده و در مناطق صعب العبور که امکان زیست بسیار دشوار بوده است، تنها بز می توانسته به راحتی زندگی کرده و تولید مثل کند. (توزی، موریتسو، آنسوی سفال های سوخته، ۱۳۷۴، ص ۳۹)

و همچنین طرح ماهی و حیوانات دیگر با سرهای مثلثی که بدن های آنها با دو خط نازک مارمانند اجرا شده است بر روی این سفال ها دیده می شود. اما ترجیحاً بخش کاملاً زیادی از داخل کاسه ها اغلب به طور فراوان با تزئینات هندسی انجام شده است که معمولاً از نقش ساده ترکیب و درست در پایین نقوش دورتادور بالا به طور عمودی یا مایل نسبت به آنها می باشد. (شکل ۱-۶، ۱-۷)

خمیره های کوچک و بزرگ که هر دو نوع آن به همان صورت تزئین می شده است و طرح های مختلف به نمایش می گذاشتند. کوزه های کوچک معمولاً دورتادور با خطهای ساده شکسته و هلالی و حلقه ای که به روش های مختلف ترکیب شده اند و در عین حال یک تزئین آرایشی در طول بدنه کوزه به حساب می آید.

انواع صلیب های ساده و چلیپ زیاد تکرار شده و به نظر می رسد به این نقش زیاد توجه داشته اند. (شکل ۱-۸، ۱-۹)

در بعضی حالت ها سطح داخلی گلدان ها با خطوط فشرده و به هم بافته با خطهای موج و راه راهی و مثلث و غیره پر شده. این نوع سفال در سایر مکان های قبل از تاریخ سیستان پیدا شده است.<sup>(۳)</sup>



شکل (۱-۱) خطوط پلکانی

## ۱-۲-۲) سفال خاکستری با نقوش سیاه

یک دسته دیگر سفال های خاکستری که از نظر فرم و نمونه بسیار گوناگونند هر چند تعداد آنها نسبت به سفال های نخودی خیلی کمتر است اما با کیفیتی بسیار عالیست . خمیره آن پالایش یافته و چینی مانند است و در کوره های مخصوص پخت چینی با حداقل دمای ۹۵۰ درجه سانتی گراد پخته شده است . از اینرو سفال گر توانسته ظروفی با دیواره نازک و فرمهای شکسته و باریک تولید نماید.

تعداد زیادی از نقش های تزئینی وجود دارد که در سفال های خاکستری شهر سوخته به بهترین وجه بوجود آمده است. نمایش تزئینات نباتی و حیوانی که تولید می شده شباهت خیلی زیادی با سفال های هم عصر خودش در مناطق و نواحی شمالی افغانستان و بلوچستان دارد .<sup>(۴)</sup>

نقش بز هنوز موضوع اصلی هستند به عنوان حیوان تزئینی در سفال خاکستری ، اما بعضی قطعات که در سطح تپه بدست آمده پرنده ها را نشان می دهد که نبوغ هنری استثنائی آنها را بیان می کنند . و در این زمان حتما برای آرایش لبه کاسه ها از بزها حتی اگر بصورت یک شاخ ساده شده باشد مورد استفاده قرار می گرفته و پیوسته در تپه های دوران میانه و اواخر ادامه داشته است .

از عناصر گیاهی که مشترکا تولید می شده است یک نوع نخ بوده است و ساقه های برگ دار و شاخه ها قسمت زیادی از کاسه را پوشانده است . در این میان نقوش هندسی مکررا ظاهر می شود و همراه با نوعی طبیعت نمائیت . این آرایش روی لبه بیرونی کاسه و شانه خمیره هر دو ادامه دارد .

دو نمونه از نقش صلیب مالتی وجود دارد که هر دو برای پر کردن سطح داخلی کاسه بطور هماهنگ استفاده شده است .<sup>(۵)</sup>

---

۴-East and west – amiet tosi optic- ۱۹۶۸۵

۵- East and west – amiet tosi optic- ۱۹۶۸

## ۱-۲-۳) سفال های قرمز با نقوش سیاه

این سفال نیز مانند دیگر سفالها نمونه های متفاوتی دارد و نسبت به دیگر سفالها بسیار کمتر یافت شده است و دسته بندی آنها خیلی مشکل است. سادگی آنها مانند سفالهای خاکستری است. اما ضخامت آنها نسبت به سفالگری خاکستری بیشتر است و از نظر رنگ سطح با هم اختلاف دارند. تزئینات آنها مشابه با نمونه های نخودی و خاکستری است.<sup>(۶)</sup>

به طور کلی در سفال های شهر سوخته که متمدن ترین و پیشرفته ترین تمدن های باستانی در پنج هزار سال پیش است نقش بز و ماهی بیش از هر نقش دیگری دیده می شود. (سیدسجادی، منصور، کاوشهای شهر سوخته، دفترهای شهر سوخته، ۱۳۷۹، ص ۶۳).

همچنین در آخرین کاوش های انجام شده در محوطه پیش از تاریخ در سیستان بیش از صد ظرف سفالی بدست آمده که روی آن نقش صلیب شکسته دیده می شود و نشان می دهد که این نقش در هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد متعلق به ایرانیان باستان و همانند نقش بز و ماهی نماد چرخه زندگی و برکت بوده است. نقش صلیب شکسته نزد کارشناسان و باستان شناسان به "گردونه حیات" نیز معروف است.



فصل دوم:

دستیافته های

سیستان

## - دستبافته چیست ؟

آنچه به وسیله دست یا به کمک وسایل ساده بافته می شود "دستبافت" نامیده می شود.

### ۲-۱) سابقه بافندگی در سیستان

سابقه بافندگی در سیستان را باید در پیشینه ی تاریخی و حتی پیش از تاریخ آن جستجو کرد زیرا "آثار فرشهای حصیری در چهار تدفین در شهر سوخته به دست آمده است" (سیدسجادی، ۱۳۸۶، ۳۲۸).

پس از آن از بافندگی در سیستان اطلاعی در دست نیست اما در هزاره دوم میلادی با ورود سکاها به سیستان بافته های آن دچار تحول اساسی شده است "زیرا این قوم در حدود قرن پنجم قبل از میلاد قالی و گلیم می بافتند و نمذ تولید می کردند" (حصوری، فرش سیستان، ۱۳۷۱، ۳).

"در نخستین نوشته های اسلامی نیز، سیستان دارای بهترین بافته های ابریشمی و پشمی توصیف شده است. آثار باستان شناسی نشان از رونق سیستان در دوره های اشکانی و ساسانی دارد. در این دو دوره سیستان یکی از بزرگترین ارقام مالیات را پرداخته، یعنی از آبادترین و پرتولیدترین قسمت های ایران بود است. اگرچه از این دو دوره بافته ای سیستانی به دست نیامده است، اما شهرت بافته های آن در آغاز دوره اسلامی با قالی ها و گلیم های طبرستان و فارس (غندجان و جهرم) در یک ردیف یاد می شود. غلات، ابریشم و چهارپایان آن معروف بود و ثروت آن توجه همه ی پادشاهان و دستگاه خلافت را بر می انگیخت" (حصوری، فرش سیستان، ۱۳۷۱، ۳).

"ویرانی سیستان از دوره مغول آغاز شد. سیستان در این دوره مثل همه ی نقاط ایران آسیب دید و روند آسیب آن در دوره های بعد نیز ادامه پیدا کرد." (همان).

ظاهراً تا اوایل قرن چهاردهم هجری (قرن بیستم میلادی)، گلیم، قالی، پلاس، زیلو، و اندکی بافته های ابریشمی در سیستان، به روش و مطابق سنت ها و نقشه های سیستانی آن هم توسط جمعی کوچک، تولید می شده است. اما در اوایل این قرن، سیستانیان به کلی راه و رسم قدیم در تولید قالی را رها کردند و راه و رسم بلوچها را پذیرفتند. (همان).

## ۲-۱-۱) انواع نقوش قالی سیستان

عدم وجود نقشه در قالی های سیستان ، موجب شده است تا بافندگان برداشت شخصی خود از نقوش را در بافت قالی به کار گیرند و این امر موجب به وجود آمدن اشکال مختلف از یک نقش شده است . چنان که ممکن است یک نقش در مناطق مختلف قالی بافی در سیستان دارای صور متفاوتی باشد .

در اغلب موارد نقش ها به تدریج ساده تر شد است و گاهی فرم کلی نقش دگرگون شده و آسیب دیده است. با مطالعه بر روی مناطق مختلف قالی بافی در سیستان ، مشخص می شود که شیوه ی زندگی و شرایط حاکم بر آن ، به میزان بسیار زیادی در دگرگونی نقوش قالی موثر بوده است و اگر در این خصوص چاره اندیشی نشود ، باقی مانده این نقوش نیز دستخوش تغییرات ناگوار خواهند شد . بنابراین در این پژوهش به منظور حفظ و احیا نقوش اصیل قالی سیستان ، پس از انجام مطالعات عمیق میدانی ، نقوش اصیل قالی سیستان شناسایی و دسته بندی شده است و پس از انجام اصلاحات مورد نیاز ، نقش مایه های اصلی آنها به صورت شطرنجی باز طراحی شده است .

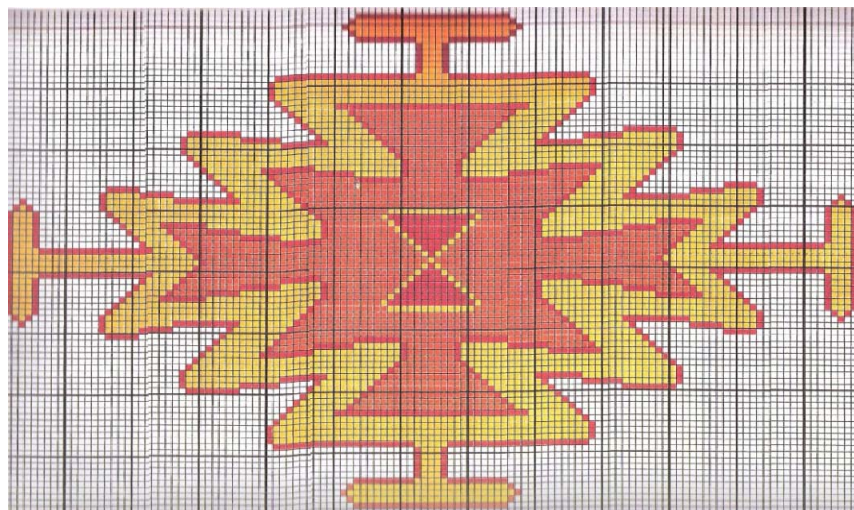
## ۱) قالی های واگیره ای

این قالی ها دارای یک نقش مایه هستند که در سراسر زمینه قالی تکرار می شود و دلیل اطلاق نام واگیره ای به آنها نیز از همین موضوع نشأت گرفته شده است . این قالی ها از ساده ترین انواع قالی در سیستان هستند و گاهی نیز اطراف نقش اصلی زمینه یک قاب قرار می گیرد .

کهن ترین قالی های بافته شده در سیستان با این نقش ها تولید شده است (شکل ۲-۱) مهمترین ویژگی این قالی ها استفاده از یک نقش مایه (شکل ۲-۲) در تمام زمینه قالی است ، در بعضی از این قالی ها نقش زمینه عیناً در حاشیه نیز به کار رفته است . حاشیه در این قالی ها کوچکتر از حدمعمول است. برای جدا کردن حاشیه اصلی از زمینه این قالی ها ، از نوار باریکی به عنوان حاشیه کوچک استفاده شده است . نقش حاشیه کوچک معمولاً بانقش زمینه و حاشیه اصلی قالی متفاوت است . حاشیه کوچک نیز اغلب دارای یک نقش مایه است .



شکل (۱-۲) قالی تکراری



شکل (۲-۲) نقش زمینه